

۱- همانا موهبت‌های طبیعی علتی برای حرکت انسان به سوی کمال است.

۲- رسول (ص) دلگیر می‌شد از کسی که بین فرزندان‌ش فرق بگذارد.

۳- چه بسا تشنه‌ای که آب زلال در گلویش گیر کرده.

۴- ثروتمندان در شهر انبار عادت کردند که هدایا را به پادشاهانشان تقدیم کنند.

۵- مسلماً بندگان فردا (قیامت) به اندازه‌ی عقل‌هایشان بالا می‌روند.

۶- مؤمنان هرگز بعضی‌شان به بعضی خیانت نمی‌کنند.

۷- الف) سالن ب) الازرق ج) المرء د) الاخری

۸- الف) وَقَفْتُ عَلَى قَرَبٍ مِنْ خِيَمَةِ الرَّسُولِ فَقَاتَلْتُ بِشِجَاعِيَّةٍ.

ب) كَانَ الْمُشْرِكُونَ عِنْدَ فِرَارِهِمْ خَائِفِينَ مَذْعُورِينَ.

ج) مَدَّحَ الرَّسُولُ الرَّمِيصَاءَ.

د) صَاحٌ ← مَعْتَلٌ اجْوَفٌ وَقَفْتُ ← مَعْتَلٌ مِثَالٌ

۹- ۱- ما فروتنانه به قرآن گوش می‌دهیم.

۱۰- ۲- پدیده‌ی رنگین‌کمان، آسمان را دلربا می‌کند.

۱۱- ۲- پرتو نورانی از هفت رنگ تشکیل می‌شود.

۱۲- ۱- اللَّهُ جَعَلَ فِي قَلْبِي الْمَحِيَّةَ.

۱۳- وقتی دانشمند رومیان مرد جسدش را به آتش کشیدند (پس آنها ← حذف)

۱۴- انسان به وسیله‌ی آن دو می‌تواند بنویسد پس به هدف‌هایش برسد.

۱۵- انواع

۱۶- سستی

۱۷- رها کند

۱۸- موفق گرداند

۱۹- المعطوف: مقاما
 المفعول فيه: حين
 التمييز: شائنا
 المستثنى: الحسنات
 الفعل المضاعف: نظراً

المفعول المطلق: جرحاً
 الحال و نوعها: وهى مشغولة (جمله حالیه محلاً منصوب)
 المنادى: ولد (نوع منادا: مضاف تقدیراً منصوب)
 المستثنى منه: شيئاً

۲۰- الایب (فاعل و مرفوع) - حتى تستطيع (مضارع منصوب) - راحة (معطوف و مجرور) - تجربة (تمییز و منصوب)

۲۱- فرحون (خبر و مرفوع)

۲۲- قام ← مضارع ← يقوم ← نحن ← نقوم

۲۳- «الامیر» مذکر و «ال» دار است ← ایها

۲۴- عفوا ← مفعول مطلق و منصوب

۲۵- بعد

۲۶- ثواباً ← تمییز و منصوب

۲۷- رسول - الاطفال - هو (رسول: مضاف است و نباید «ال» بگیرد / الاطفال: فاعل و مرفوع / ضمیر به «رسول» برمی گردد پس باید مذکر باشد ← «هو»)

۲۸- طالب - اعلم - اصحاب (طالب: منادای مضاف و منصوب / فعل امر باید در مطابقت با «طالب» مفرد می آید ← اعلم، مستثنی مرفوع و مرفوع با اعراب فاعل ← اصحاب)

۲۹- ایمانا - لم یرد (ایماناً ← تمییز و منصوب / لم یرد ← مضاعف هنگام مجزوم شدن فتحه می گیرد)

۳۰- اصدق ← خبر کان منصوب
 قولاً ← تمییز منصوب
 اذا ← مفعول فیه (ظرف زمان)
 الادب ← مستثنی منصوب

۳۱- اعترف = فعل ماضی، للغائب، ثلاثی مزید، صحیح، معلوم، مبنی
 المسلمین = اسم جمع سالم، مشتق، معرفه، معرب، منصرف، صحیح الاخر

۳۲- بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به آرامی راه می روند.

۳۳- هرگاه ببینی او در درجه‌ی پایین تر از تو است، او را به مهربانی به سویت بالا بیاور.

۳۴- دانش آموزان در درس هایشان موفق نمی شوند مگر تلاشگران آنها.

۳۵- امیری از حکیمان کشورش دوائی برای خطرناکترین بیماری‌ها طلب کرد.

۳۶- دانش‌آموزان را می‌بینم در حالی که همت می‌کنند به آنچه معلمان از آنها می‌خواهند.

۳۷- حقایق با ارزش و دقیقی در آیات قرآن وارد شده است.

۳۸- الف) اصرار کرد. ب) الظلمة، الظلام ج) الشباب، الصبا د) الكسالة

۳۹- يَدَّقُ ← فعل شرط است و باید مجزوم باشد، فعل‌های مضاعف وقتی مجزوم شوند، فتحه می‌گیرند.

الجرس ← نائب فعل است و باید مرفوع باشد.

التلميذتان ← مستثنی مرفوع و مرفوع است با اعراب فاعل

۴۰- قَم ← فعل امر باید مؤنث باشد و در امر مؤنث از اجوف‌ها حرف عله نباید حذف شود ← قومي

سميرة ← منادای علم مبنی بر ضم است و تنوین نمی‌گیرد.

اخلاقاً ← تمییز و منصوب

۲-۴۱

۲-۴۲

۱-۴۳

۲-۴۴

۴۵- سواران ← ای سواران کار ← کارها می‌برند ← می‌برید

۴۶- کلمه‌ی «فردا» به ترجمه اضافه شود عقل‌ها ← عقل‌هایشان خواهد رفت ← می‌رود

۴۷- الفعل المضاعف: تسوُّء المفعول المطلق: اختلافاً، نوعه: نوعی (بیانی)

المنادی: أیة الحال: فرحة، صاحب حال: هي «مستتر»

المعطوف: بكاء التمييز: خيراً

المستثنى: الحق، المستثنى منه: كلمة

۴۸- تلخ

۴۹- دریافت کرد

۵۰- أشدَّ: خبر كان و منصوب / الناس: مضاف‌الیه و مجرور / غزوة: تمییز و منصوب / لا يدع: فعل مضارع مرفوع با ضمه

۵۱- الحبر

- ۵۳- الف) نسا اولاد الخنساء على القيم الاسلامية
 ب) لا، استشهد كل اولاد الخنساء في الحرب
 ج) حمدت الخنساء الله على هذه النعمة
 د) ريت - ناقص

۵۴- كيف = حال و منصوب محلا، اداء = فاعل و مرفوع، خلقا = تمييز و منصوب
 ها = مفعول به و منصوب محلا، الطيران = مضاف اليه و مجرور، آذان = مستثنى مرفوع «مرفوع به اعراب فاعل»

- ۵۵- تعود = مضارع ← ماضى، للغائبة ← للغائب، صحيح ← معتل، معرب ← مبنى
 الاباضحى = جمع مكسر ← مفرد، مؤنث ← مذکر، منصرف ← ممنوع من الصرف، منقوص ← مقصور

۵۶- خدای من! دیدارتو آرزوی من است پس خشنودیات را به من عطا کن.

۵۷- دنیا تنها خیالی گذرا است که به ندرت باقی می ماند.

۵۸- فرزندان خنساء به سمت میدان روانه شدند، درحالیکه تکبیر می گفتند.

۵۹- یکی از ثروتمندان گفت آیا اجازه می دهید به فقیران که به استقبال بیایند.

۶۰- پدیده‌ی تاریکی دریا امری است که در قرن حاضر کشف شده است. (اکتشف: مجهول)

۶۱- پیامبر ما راستگوترین مردم بود.

- ۶۲- الف) تجاه: در برابر (۰/۲۵)
 ب) پیری: الشیب (۰/۲۵)
 ج) ضد «المجهول»: المعلوم (۰/۲۵)
 د) مترادف «شعر»: احس

۶۳- سبب تقدم المسلمين العلمی کان تکریم الإسلام للعلم و العلماء.

۶۴- اعترف العلماء الغربيون بفضل العلماء المسلمين فى القرون الماضیة.

۶۵- نبغ علماء كثیرون من المسلمین.

۶۶- لا! تقدم المسلمون فى العلوم المختلفة كالطب و رصد النجوم.

۶۷- گزینه‌ی (۲) صحیح است. (۰/۵) کان + يخفق ← ماضى استمرارى

۶۸- گزینه‌ی (۱) صحیح است. (۰/۵) لم + تنتظر ← ماضى منفى

۶۹- گزینه‌ی (۲) صحیح است. (۰/۵)

۷۰- گزینه‌ی (۱) صحیح است. (۰/۵)

۷۱- برخورد کردن (۰/۲۵)

۷۲- مردانگی (۰/۲۵)

۷۳- بوسید (۰/۲۵)

۷۴- رسیده بودند (۰/۲۵) (کان + قد + ماضی ← ماضی بعید)

۷۵- درختی ← درخت (۰/۲۵) - نگاه می‌کند ← نگاه کرد (۰/۲۵) - آن ← این (۰/۲۵)

۷۶- اگر ← به‌درستی که (۰/۲۵) - رحمت ← رحمتت (۰/۲۵) - می‌بخشی ← ببخش (۰/۲۵)

۷۷- صدایش ← صدایم (۰/۲۵) - بپذیرد ← بگیری (۰/۲۵)

۷۸- الحال: طائین (۰/۲۵) - صاحب الحال: ضمیر بارز «تم» (۰/۲۵) - المفعول المطلق: اجتناباً (۰/۲۵)، نوعه: تأکیدی (۰/۲۵)

التمییز: عملاً (۰/۲۵) - المستثنی: آذان (۰/۲۵)، المستثنی منه: شیء (۰/۲۵) - نوع المنادی: مضاف (۰/۲۵) (اولادی)

الفعل المعتل: دعا (۰/۲۵)، نوعه: الناقص (۰/۲۵)

رحمةً (تمییز) (۰/۲۵)

۷۹- النبئ (اسم کان و مرفوع) (۰/۲۵)

الصغار (مضاف الیه و مجرور) (۰/۲۵)

التأکید (مفعول و منصوب) (۰/۲۵)

۸۰- النفس (۰/۲۵) «تغلیین» فعل مفرد مونث مخاطب بوده و «النفس» متناسب آن است.

۸۱- متوکلات (۰/۲۵) حال به تبعیت از «المعلمات» جمع مونث می‌آید. اعراب نصب در جمع مونث سالم فرعی است.

۸۲- انتفاعاً (۰/۲۵)

۸۳- تظنَّ (۰/۲۵) فعل مضاعف با فتحه مجزوم می‌شود.

۸۴- حیئ (۰/۲۵)

۸۵- الارض (۰/۲۵) معطوف به «السموات» بوده و به تبعیت از آن مجرور می‌شود.

۸۶- الخفاش (۰/۲۵) جمله‌ی قبل از «الا» فاعل ندارد پس مستثنی باید مرفوع باشد.

۸۷- استفادةً (۰/۲۵) پس از اسم تفضیل «اکثر» باید از تمییز که منصوب است، استفاده کرد.

۸۸- یقمن ← یقومون (۰/۲۵) - واجباته ← واجباتهم (۰/۲۵)

المدرسیة ← المدرسیة (۰/۲۵) (صفت «واجبات» بوده و به تبعیت از آن مجرور می‌شود).

۸۹- امیر ← (منادای مضاف و منصوب) (۰/۲۵) تقدّم ← تقدّم (مضارع منصوب به ان) (۰/۲۵)
هذا ← هذه (برای جمع غیرعاقل از اسم اشاره مفرد مونث استفاده می شود.) (۰/۲۵)

۹۰- ای: منادا و محلا منصوب (۰/۲۵) - عند: مفعول فیه و منصوب (۰/۲۵) - التاس: مفعول و منصوب (۰/۲۵)
سئء: صفت و مجرور به تبعیت (۰/۲۵)

۹۱- انطق: مضارع ← امر (۰/۲۵) - للمتکلم وحده ← للمخاطب (۰/۲۵) - ناقص ← صحیح (۰/۲۵) - لازم ← متعدی (۰/۲۵)
الهدی: مؤنث ← مذکر (۰/۲۵) - مشتق ← جامد (۰/۲۵) - نکره ← معرفه (۰/۲۵) - منقوص ← مقصور (۰/۲۵)

۹۲- فرصت را غنیمت شمار (۰/۲۵) و در ایام کودکی عمرت را غنیمت شمار. (۰/۲۵)

۹۳- یاد ماده جسم کوچک ناشناخته‌ای است (۰/۲۵) که باری مخالف الکترون حمل می کند. (۰/۲۵)

۹۴- ما مثل این هدایا را به دوستان مان تقدیم می کنیم (۰/۲۵) و ایشان آن‌ها را می پذیرند. (۰/۲۵)

۹۵- اگر مؤمنی را بشکنی (۰/۲۵) جبران آن بر تو لازم است. (۰/۲۵)

۹۶- خدایا اگر من شایسته رحمت نیستم (۰/۲۵) بواسطه فضلت بر من بیخش. (۰/۲۵)

۹۷- خنساء آیه‌ای را زیر لب تکرار کرد (۰/۲۵) در حالیکه پروردگارش را به خاطر شهادت فرزندانش می ستود. (۰/۲۵)

۹۸- بهانه، وسیله

۹۹- العبت

۱۰۰- الحزن

۱۰۱- یترک

۱۰۲- انعقدت المراسیم لتکریم اُبی سمیره.

۱۰۳- لائهُ ضَحَّىٰ بِنَفْسِهِ.

۱۰۴- نغوص فی البحار اکثر من مائتی متر.

تذکر: «کم» اسم استفهام برای پرسش از تعداد و کمیت است.

۱۰۵- المعدات الحدیثه تُساعدنا علی الغوص.

۱۰۶- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. اگر جمله دارای مستثنی‌منه باشد نباید از ساختار «فقط» برای ترجمه‌ی آن استفاده کرد.

۱۰۷- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. «المشركون المذعورون» موصوف و صفت‌اند.

۱۰۸- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. اذغو: می‌خواهم - ادع: بخواه

۱۰۹- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. از آن جا که «النفس» مؤنث است و «ال» دارد باید پیش از آن «اَیْتها» بیاید.

۱۱۰- در این زمان

۱۱۱- سود می‌برد

۱۱۲- ناسپاسی می‌کند. جمله دارای اسلوب شرط است و فعل‌های آن به صورت مضارع ترجمه می‌شود.

۱۱۳- یکسان

۱۱۴- امید داشتم ← امید دارم، پروردگار ← ای پروردگار، بیاورد ← بیاوری

۱۱۵- تاریکی ← تاریکی دریا، سال ← سال‌ها

۱۱۶- کنار ← نزدیک، ایستاد ← می‌ایستد، کمین کرد ← در کمین

۱۱۷- المفعول فیه: حینما - الفعل المعتل: کانت - نوعه، اجوف - الحال: قائلةً - صاحبها: المدیره - التمییز: خلقاً - المستثنی: الحسنات - المستثنی منه: شیئاً - المفعول المطلق: تمعاً - نوعه: نوعی.

۱۱۸- الاعزّاء (تابع منادا و مرفوع) - تجرّبةً (تمییز و منصوب) - علماء (فاعل و مرفوع) - الغرب (مضاف الیه و مجرور) - غیو (معطوف به «علماء» و مرفوع) - فضل (مجرور به حرف جر)

۱۱۹- غنی (منادای نکره‌ی مقصوده و مبنی بر ضم)

۱۲۰- یرتدّ (فعل مضاف با فتحه مجزوم می‌شود)

۱۲۱- خاشعین ۱- «کتما» فعل مثنی است. ۲- قبل از الا خبر کان نیامده است لذا مستثنی باید منصوب باشد.

۱۲۲- متراً (بعد از اعداد تمییز می‌آید و تمییز باید نکره و منصوب باشد)

۱۲۳- جمیلةً (حال باید در جنس و عدد از ذوالحال خود یعنی «ظاهرة» تبعیت کند)

۱۲۴- استسلام (به دلیل آن که مضاف است نباید تنوین بگیرد)

۱۲۵- البنات (معطوف و مجرور)

۱۲۶- تشکّی (الوالدة مؤنث است و فعل هم باید مؤنث باشد)

۱۲۷- تسعی ← یسعی، یستفید ← یستفید

۱۲۸- خطر ← خطراً تمییز و منصوب، دواؤها ← دواؤه

۱۲۹- قریباً: خبر کان و منصوب، الاضحی: مضاف الیه و مجرور تقدیراً، حلو: مفعول و منصوب، سرور: معطوف و منصوب به تبعیت
(هر مورد ۰/۲۵ نمره)

۱۳۰- احضرت: للمخاطبة ← للغائبة، مجرد ثلاثی ← ثلاثی مزید، معرب ← مبنی، لازم ← متعدی
اسلحه: مفرد ← جمع، مشتق ← جامد، نکره ← معرفه، غیر منصرف ← منصرف
(هر مورد تجزیه ۰/۲۵ نمره)

۱۳۱- چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده، حرام ندانید. (نکنید) ۰/۵

۱۳۲- پیامبر (ص) مانند پدر مهربان به کودکان لبخند می‌زد. ۰/۵

۱۳۳- بانوی شاعر متحول شد و فرزندانش را براساس ارزش‌های اسلامی پرورش داد. ۰/۵

۱۳۴- با ایمان‌ترین مردم، خردمندترین آن‌هاست. ۰/۵

۱۳۵- بدانید که هر کس همراه سپیده دم به شکار اقدام کند، شکار می‌کند (موفق می‌شود). ۰/۵

۱۳۶- پروردگارا ما را برای هدایت به سخن در آور و به آنچه که برتر است موفق کن. ۰/۵

۱۳۷- می‌پوشاند ۰/۲۵

۱۳۸- الکآبیه ۰/۲۵

۱۳۹- زاد ۰/۲۵

۱۴۰- كان الروميون يعتقدون قوس قزح عذاب لعقاب الناس. ۰/۵

۱۴۱- يحدث قوس قزح عند نزول المطر. ۰/۵

۱۴۲- إتهم كانوا يسمجون من يعتقد اعتقاداً يخالفهم. ۰/۵

۱۴۳- نعم، هو أول من اكتشف سبب حدوث ظاهرة قوس قزح. ۰/۵

۱۴۴- تعريب: (تعريف روان و صحيح ۰/۵) دواء الجهل الحبو و القلم.

۱۴۵- (۱) ۰/۵ اولاً «دعا» ماضی ساده است، ثانياً «المشفق» مفرد است.

۱۴۶- (۱) ۰/۵ چون «سمعت» فعل ماضی است، «تقول» هم ماضی معنی می‌شود. (کارگاه ترجمه‌ی درس ۴)

۱۴۷- (۲) ۰/۵ ثم + مضارع ← «ماضی منفی» ترجمه می‌شود.

۱۴۸- ناراحت شد. (۰/۲۵)

۱۴۹- گاهی ضرر می‌رساند. (۰/۲۵)

* نکته: «قد» وقتی کنار فعل مضارع بیاید، معنی «شاید، گاهی، احتمالاً و ...» می‌دهد.

۱۵۰- بزرگوارانه (۰/۲۵)

۱۵۱- ممنوع کردن (۰/۲۵)

۱۵۲- تصحیح هر غلط (۰/۲۵)

زنگ زدند ← زنگ خورد (زده شد) - سمیره ← ای سمیره - فراموش نمی‌کند ← فراموش نکن

۱۵۳- تصحیح هر غلط (۰/۲۵)

مردم به قرآن ← قرآن به مردم - گوش می‌دهند ← اجازه می‌دهد - ترک کرده‌اند ← ترک کنند (رها کنند)

۱۵۴- چگونه ← چرا - می‌خواهی ← می‌خواهید تصحیح هر غلط (۰/۲۵)

۱۵۵- (پیدا کردن هر مورد (۰/۲۵) نمره)

تمییز ← شأناً، مفعول فیه ← عند، مفعول مطلق ← رزقاً، نوعه ← بیانی (نوعی)، حال ← یرزقون، صاحب حال ← الشهداء، المعطوف ← امی، المستثنی منه ← حیوان، منادی ← علماء، نوعه ← مضاف، فعل مضاعف ← عَدَّ

۱۵۶- اَله : منادای مضاف و منصوب - توَدَّ : مجزوم با فتحه چون فعل مضاعف است - حاجاتنا : منصوب با کسرة چون جمع مونث سالم است. (هر مورد (۰/۲۵))

۱۵۷- معذرةً : مفعول مطلق و منصوب (۰/۲۵)

۱۵۸- خاشِعَةً (۰/۲۵) اولاً قبل از الا «خبر کان» نیامده است لذا پس از الا باید منصوب بیاید، ثانیاً از ضمیر «ت» در «گنت» می‌توان فهمید که باید مونث به کار گرفته شود.

۱۵۹- الشرف : معطوف و مجرور (۰/۲۵)

۱۶۰- سروراً : با توجه به فعل «امتلات» باید تمییز آورده شود که «جامد، نكرة و منصوب» است. (۰/۲۵)

۱۶۱- متربصَةً : در جای خالی باید «خبر مرفوع» آورده شود. (۰/۲۵)

۱۶۲- ربُّنا : منادای مضاف است و باید منصوب باشد نه مرفوع (۰/۲۵)

۱۶۳- تدعیئً ← تدعون (۰/۲۵)

۱۶۴- الإنسان ← الإنسان (نائب فاعل و مرفوع)، حساب ← حساباً (مفعول مطلق و منصوب) (تصحیح هر مورد (۰/۲۵))

۱۶۵- ترخّو (۰/۲۵)

۱۶۶- وصّفَ ← مضارع ← للمخاطبة ← تصفین ← امر ← صِفْ (۰/۲۵)

۱۶۷- غَدَّتم (۰/۲۵)

۱۶۸- لم یروضَ : اگر حرف آخر فعلی حرف عله باشد، هنگام جزم حذف می شود. (۰/۲۵)

۱۶۹- صوت ← مستثنای مفرغ و مرفوع، المؤذن ← مضاف الیه و مجرور، ذرّة ← اسم لیست و مرفوع، کبراً ← تمییز و منصوب، جدّاً ← مفعول مطلق و منصوب (اعراب هر کلمه (۰/۲۵))

۱۷۰- (تحلیل کامل هر کلمه (۰/۲۵) نمره)

هب: فعل امر - للمخاطب - مجرد ثلاثی - معتل و مثال - متعد - مبنی للمعلوم - مبنی علی السکون
من: حرف جار - عامل - مبنی علی السکون
ک: اسم - ضمیر متصل - للنصب و الجر - للمخاطب - معرفة - مبنی علی الفتح
الوهاب: اسم - مفرد - مذکر - مشتق (اسم مبالغه) - معرف بال - معرب - منصرف - صحیح الاخر
(برای فعل و اسم حداقل ۴ مورد صحیح و حرف ۳ مورد صحیح لازم است.)

۱۷۱- هیچ خیری در دوستی انسان دو رو نیست.

۱۷۲- انسان مومن مایوس نمی شود هر چند ببیند ستمگران بر جهان مسلط شده اند.

۱۷۳- خفاش از قدرت شنوایی بسیار تیزی بهره می برد.

۱۷۴- امام با تعجب فریاد کشید: خودتان را به سختی می اندازید.

۱۷۵- غواص خونس را تنها به رنگ سیاه می بیند.

۱۷۶- از پروردگارتان بخواهید که تقوی را به شما الهام کند.

۱۷۷- وَفَّق: موفق گردان.

۱۷۸- سالن: القاعة.

۱۷۹- ضِدَّ «الضوء»: الظلام، الظلمة.

۱۸۰- مترادف «الخمول»: الكسل، الكسالة.

۱۸۱- المواهب الطبيعية فی رأى القرآن رزق للانسان.

۱۸۲- أُصِيبَتْ بِجراحاتٍ كَثيرةٍ.

۱۸۳- القرآنُ يَخاطِبُ بني آدمَ أَجمعينَ.

۱۸۴- الرسولُ مدحُ الرَميصاءِ عندَ أَصحابِهِ.

۱۸۵- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. الجهل (نادانی) اعظم خطراً (خطرناک‌تر است) من الامراضِ الأخرى (از بیماری‌های دیگر).

۱۸۶- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. رجّت المديرة (خانم مدیر خواست) من سميرة (از سمیره) ان تحضُر (که حاضر شود) فی المراسيم (در مراسم).

۱۸۷- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. نزل المترفون (ثروتمندان پایین آمدند) من المراكب (از مرکب‌ها) و قاموا (پرداختند) بتبجيل الامام (به بزرگداشت امام).

۱۸۸- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است.

۱۸۹- رفت

۱۹۰- داور

۱۹۱- قسمت

۱۹۲- داروسازی

۱۹۳- آن روز ← روزی ، پشت ← پشتش ، ببرد ← رها کند.

۱۹۴- پرتوها ← پرتو ، می شود ← شده است.

۱۹۵- ملت ← مردم ، با تلاش ← و تلاش ، می کند ← می کرد.

۱۹۶- المفعول فيه: صباح ، الفعل المعتل: يغوض ، نوع المعتل: اجوف ، المستثنى: عشرين
المفعول المطلق: اخباراً، نوعه: نوعی ، المعطوف: الارض ، التمييز: متراً
الحال: خلابتين ، صاحب الحال: السماء و الارض ، المنادى: رب ، نوع المنادى: مضاف

۱۹۷- اعجب، قدرة، تُرسل، صوتيةً.

۱۹۸- اهتماماً - جمله به تمییز احتیاج دارد که اسمی نکره و منصوب و جامد است.

۱۹۹- حول - با توجه به مفهوم جمله «معلم در مورد جشنی بزرگ سخن گفت» مفعول فيه «حول» مناسب است.

۲۰۰- لا تَرَجُ

۲۰۱- الخنساء - جمله به مستثنی مفرغ که نقش فاعل را به عهده دارد و به معنی آن احتیاج دارد. ترجمه جمله: فقط «الخنساء» از برگشتگان از میدان جنگ استقبال کرد.

۲۰۲- يَطْتُوا

۲۰۳- سِرٌّ

۲۰۴- و هو وحيدٌ (جمله‌ی حالیه‌ی اسمیه)

۲۰۵- امهاتٍ - منادای مضاف و منصوب به اعراب فرعی کسره.

۲۰۶- طالبةٌ ← الطالبةُ ، واحداً ← واحدةً

۲۰۷- الطبقات ← طبقاتٍ (مضاف‌الیه و مجرور، درضمن این کلمه مضاف است و تنوین) ، ظلمة ← ظلمةً (تمییز و منصوب).

۲۰۸- دموع: فاعل و مرفوع ، وجهه: مضاف الیه و مجرور محلاً
ناخذها: مفعول به و منصوب محلاً ، باس: اسم لای نفی جنس و منصوب محلاً

۲۰۹- يهب: للغائب ← للغائب ، مزيد ثلاثی ← مجرد ثلاثی ، اجوف ← مثال ، لازم ← متعدی
رضا: مونث ← مذکر ، مشتق ← جامد ، غیر منصرف ← منصرف ، منقوص ← مقصور

۲۱۰- پروردگار ما شایسته آن است که به لطف توانایی‌اش بر ما ببخشد. (۰/۵)

۲۱۱- به ندرت کسی که طمع کرده است، به آرزویش رسیده است. (۰/۵)

۲۱۲- شاعر، تکبیرگویان خبر شهادت فرزندانش را شنید. (۰/۵)

۲۱۳- چرا عادت کرده‌اید که به پادشاهان هدیه‌ها پیش کش کنید؟ (۰/۵)

۲۱۴- اروپا دانشمندان را خارج‌شدگان از دین به حساب آورد. (۰/۵)

۲۱۵- گناه بزرگی است که با بدخلقی با مردم روبه‌رو شویم. (۰/۵)

۲۱۶- هدف (۰/۲۵)

۲۱۷- لؤلؤ (۰/۲۵)

۲۱۸- المر (۰/۲۵)

۲۱۹- سال (۰/۲۵)

۲۲۰- لا، هذا النظام يشمل النباتات و الجمادات أيضاً. (۰/۵)

۲۲۱- یُدور الالکترونُ حولَ نواةِ المادّةِ. (۰/۵)

۲۲۲- الجُسیمُ المجهولُ یحملُ شحنةً تُخالفُ شحنةَ الالکترونِ. (۰/۵)

۲۲۳- اکتشفَ قریئُ المادّةِ فی القرنِ العِشرینِ. (۰/۵)

۲۲۴- تعریب: یغتتم العاقلُ ایامَ شبابه (ایام صباه). (۰/۵)

۲۲۵- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (قبل از فعل ماضی یا مضارع ساده، واو حالیه نمی آید). (۰/۵)

۲۲۶- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (انزعاجاً ← مفعول مطلق تأکیدی است و به صورت قید تأکید ترجمه می شود: یقیناً...)

۲۲۷- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (شهادتاً: شهیدان ما - خیر... ایماناً: با ایمان ترین) (۰/۵)

۲۲۸- باور نکردم (اولاً: لم + مضارع ← ماضی منفی - ثانیاً: «صدّق» ← باور کرد). (۰/۲۵)

۲۲۹- موفق شویم (۰/۲۵)

۲۳۰- سستی (۰/۲۵)

۲۳۱- پنهان ترین (اخفی ← اسم تفضیل است). (۰/۲۵)

۲۳۲- کنار ← زیر (۰/۲۵) - درخت ← درختی (۰/۲۵) - نشست ← ایستاد (۰/۲۵) - و ← که (تا) (۰/۲۵)

۲۳۳- انسان ← ای انسان (۰/۲۵) - یاری ← پیروزی (۰/۲۵) - دانش ← جهان (۰/۲۵) - نمی شود ← نشو (۰/۲۵)

۲۳۴- المفعول فیهِ ← عندیامع (۰/۲۵)، المفعول المطلق ← نظر (۰/۲۵)، نوعه ← بیانی (نوعی) (۰/۲۵)، التمییز ← رحمة، الحال (۰/۲۵) ← مسرورین (۰/۲۵)، صاحب الحال ← الاطفال (۰/۲۵)، المعطوف ← تواضعاً (۰/۲۵)، نوع المستثنی ← مفرغ (۰/۲۵)، المنادی ← نبی (۰/۲۵)، نوعه ← مضاف (۰/۲۵)

۲۳۵- انبیاء: اسم إنّ و منصوب (۰/۲۵) - اعزُّ: خبر إنّ و مرفوع (۰/۲۵) - منزلة: تمییز و منصوب (۰/۲۵)

۲۳۶- احساناً («تُحسن») فعل مضارع از باب افعال است که مصدر آن «احسان» است - مصدر در این جا باید تنوین بگیرد. (۰/۲۵)

۲۳۷- المومنون (قبل از الا فاعل حذف شده است، پس بعد از الا باید مرفوع شود). (۰/۲۵)

۲۳۸- العلماء (العلم: مفعول و منصوب - العلماء: معطوف و منصوب به تبعیت از «العلم») (۰/۲۵)

۲۳۹- فَرِحاً (اولاً: با توجه به آمدن اسم تفضیل «اکثر» جمله نیاز به تمیز دارد - ثانیاً تمیز باید جامد باشد ← (فَرِح، جامد - فَرِح: مشتق) (۰/۲۵)

۲۴۰- سَرَوَ (جمله نیاز به فعل امر دارد و افعال مضاعف با فتحه منصوب می‌شوند.) (۰/۲۵)

۲۴۱- الکریم (بعد از «یا» اسم دارای «ال» نمی‌تواند مستقیم بیاید.) (۰/۲۵)

۲۴۲- خاضعین (ذوالحال ضمیر مستتر «انا» است که می‌تواند مؤنث یا مذکر باشد اما نمی‌تواند جمع باشد.) (۰/۲۵)

۲۴۳- المجاهد ← المجاهد (نایب فاعل و مرفوع) (۰/۲۵)، جارحاً ← جارحاً (مفعول مطلق باید مصدر باشد نه اسم فاعل)

۲۴۴- اعفوا ← اعفوا (در هنگام جزم، حرف عله از آخر فعل معتل ناقص حذف می‌شود.) (۰/۲۵)

۲۴۵- وصلت (۰/۲۵)

۲۴۶- یخفون (خاف) ← یخافت ← المومنات ← مزارع ← یخفون: در جمع مؤنث اجوف مزارع، حرف عله حذف می‌شود.) (۰/۲۵)

۲۴۷- توبوا (تاب) ← يتوب ← ايها الناس ← توبون ← توبوا (امر) (۰/۲۵)

۲۴۸- لاتمش (در معتل ناقص، حرف عله از آخر فعل هنگام جزم می‌افتد.) (۰/۲۵)

۲۴۹- الیوم ← مفعول فیه و منصوب (۰/۲۵)، کم ← مضاف الیه و مجرور محلا (۰/۲۵)، معاذ ← مفعول مطلق و منصوب (۰/۲۵)، مثقالا ← مفعول به و منصوب (۰/۲۵)، ذهاباً ← تمیز و منصوب (۰/۲۵)

۲۵۰- ان: حرف من الحروف المشبهه، عامل نصب، مبنی علی الفتح (۰/۲۵)

الارض: اسم، مفرد، مؤنث معنوی، جامد، معرف بال، معرب، منصرف، صحیح الآخر (۰/۲۵)

یرث: فعل مضارع، للغائب، مجرد ثلاثی، معتل و مثال، متعد، مبنی للمعلوم، معرب (۰/۲۵)

الصالحون: اسم، جمع سالم للمذکر، مشتق اسم فاعل، معرف بال، معرب، منصرف، صحیح الآخر (۰/۲۵)
(برای فعل و اسم حداقل ۴ مورد صحیح و حرف ۳ مورد صحیح لازم است.)

۲۵۱- پروردگارا، ما را به آنچه که بهتر است توفیق بده (موفق کن) (۰/۵)

۲۵۲- مرفهان (پولداران) به امام تعظیم کردند. (اقدام به تعظیم برای امام کردند.) (۰/۵)

۲۵۳- ما در اعماق دریاها تاریکی شدیدی (سنگینی) می‌بینیم (می‌یابیم.) (۰/۵)

۲۵۴- از رفتاری که با من کردی کسی را با خبر نساز. (۰/۵)

۲۵۵- اگر عمرت با پیری زیاد گردد، کاهش می‌یابد. (۰/۵)

۲۵۶- دانش آموز! مسؤلیت خود را در برابر خالقت فراموش نکن. (۰/۵)

۲۵۷- سستی (تنبلی) (۰/۲۵)

۲۵۸- العقد (۰/۲۵)

۲۵۹- الرجاء (۰/۲۵)

۲۶۰- شعریه (۰/۲۵)

۲۶۱- المعلمة دعا بنت الشهيد (۰/۵)

۲۶۲- تنعقد الحفلة لتكريم الشهداء (۰/۵)

۲۶۳- دخلت التلميذة البيت قلقة (۰/۵)

۲۶۴- قالت المعلمة لسميرة: لا تنسى الحضور في المراسم (۰/۵)

۲۶۵- انت تصل إلى اهدافك بالعلم. (به جای تصل، تنال هم قابل قبول است) (۰/۵)

۲۶۶- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۵)

۲۶۷- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (واقفة، حال است.) (۰/۵)

۲۶۸- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (ان تُعَفَّر: مجهول است ← آمرزیده شود.) (۰/۵)

۲۶۹- پس دادنی (۰/۲۵)

۲۷۰- از یاد نمی‌برم (۰/۲۵)

۲۷۱- از دست دادن (۰/۲۵)

۲۷۲- ایستاد (۰/۲۵)

۲۷۳- همه‌ی ← برخی (بعضی) (۰/۲۵) - اروپاییان ← اروپایی (۰/۲۵)

۲۷۴- قرمز ← آبی (۰/۲۵) - دیگر ← آخرین (۰/۲۵) - بود ← است (۰/۲۵) - شده است ← می‌شود (۰/۲۵)

۲۷۵- پدر ← پدرش (۰/۲۵) - پذیرفت ← بوسید (۰/۲۵)

۲۷۶- المفعول فيه ← حين (۰/۲۵)، المفعول المطلق ← دعاء (۰/۲۵)، التمييز ← منزله (۰/۲۵)، حال ← وحيداً (۰/۲۵) صاحب الحال ←

هو مستتر (۰/۲۵)، المستثنى ← جماعتين (۰/۲۵)، المنادى ← عباد (۰/۲۵)، نوعه ← مضاف (۰/۲۵)، فعل مضاف ← يعد (۰/۲۵)

۲۷۷- اعظم (خبر صار و منصوب) (۰/۲۵) - الناس (مضاف الیه و مجرور) (۰/۲۵) - کرامۃ (تمییز و منصوب) (۰/۲۵)

۲۷۸- تعلیم (مفعول مطلق باید مصدر فعل جمله باشد ← عَلم ، یَعلم - تعلیم) (۰/۲۵)

۲۷۹- صامتات (حال و منصوب فرعا) (۰/۲۵)

۲۸۰- تلاوة (اسم تفضیل «اکثر» احتیاج به تمییز دارد.) (۰/۲۵)

۲۸۱- علماء (معطوف به «حکماء» و مرفوع) (۰/۲۵)

۲۸۲- سعوا (۰/۲۵)

۲۸۳- خشوعاً (با توجه به معنی کلمه‌ی «خشوعاً» که معنی «فروتنی» می‌دهد، مناسب جمله نیست، «کنث» به «أنا» برمی‌گردد که می‌تواند مؤنث یا مذکر باشد.) (۰/۲۵)

۲۸۴- عبدالله (۰/۲۵)

۲۸۵- تسیرین ← تسیرن (۰/۲۵)

۲۸۶- سئم ← سئمت (۰/۲۵)، الرجل ← الرجل (مضاف الیه و مجرور) (۰/۲۵)

۲۸۷- سیروا (سار) ← مزارع ← ایها الناس ← تسیرون ← سیروا (۰/۲۵) امر

۲۸۸- یهبان (۰/۲۵)

۲۸۹- دعوت (۰/۲۵)

۲۹۰- لا تُخاف (۰/۲۵)

۲۹۱- خلق ← خبر مفرد و مرفوع (۰/۲۵)، الامراء ← مفعول به و منصوب (۰/۲۵)، الحکام ← معطوف و منصوب (۰/۲۵)، تعظیماً ← مفعول مطلق و منصوب (۰/۲۵)، عشاء ← مفعول فیه و منصوب (۰/۲۵)، بیكون ← جمله حالیه و منصوب محلاً (۰/۲۵)

۲۹۲- قد: حرف تحقیق (تأکید)، غیر عامل، مبنی علی السکون (ذکر تحقیق یا تأکید برای قد الزامی نمی‌باشد) (۰/۲۵)

تذوق: فعل ماض، للغائب، مزید ثلاثی، معتل و أجوف، متعد، مبنی للمعلوم، مبنی علی الفتح (۰/۲۵)

الناجحون: اسم، جمع سالم مذکر، مشتق (اسم فاعل) معروف بال، معرب، منصرف، صحیح الآخر (۰/۲۵)

جمعا: فعل ماض، للغائبین، مجرد ثلاثی، صحیح، متعد، مبنی للمعلوم، مبنی علی الضم (۰/۲۵)

(برای تجزیه‌ی فعل و اسم حداقل ۴ مورد صحیح و حرف ۳ مورد صحیح، ضروری است.)